



مروری بر کتاب

تذکره شوشتر

○ غفار دهناشی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

شرح حال نویسنده کتاب:

سیدعبدالله جزایری، نویسنده کتاب تذکره شوشتر در هفتم شعبان سال ۱۱۱۴ هجری قمری در شوشتر به دنیا آمد.^۱ پدرش سید نورالدین و پدربزرگش سید نعمت‌الله جزایری از بزرگان و دانشمندان مشهور بودند. جدش سید نعمت‌الله که آثار ذکاوت را در چهره نوه خود دریافت کرده بود مصمم به تعلیم و تربیت وی گردید. اما هنوز چند صبحی از عمر عبدالله نگذاشته بود که آن بزرگوار جهان را بدرود گفت. سپس پدرش سید نورالدین به تعلیم و تربیت او همت گماشت. سیدعبدالله در اندک زمانی زبان عربی و علوم معمول زمان را کسب نمود و در سن پانزده سالگی جامع علوم دینی و غیردینی و صاحب کمالات صوری و معنوی گردید. به حدی که آوازه دانش و فضیلتش در اطراف و اکناف پیچید. وی جهت کسب دانش و تجربه بیشتر مسافرت‌هایی را انجام داد. از شوشتر به اصفهان و سایر بلاد ایران چون خراسان، آذربایجان، فارس و بعضی بلاد روم (عثمانی) سیر و سیاحت نمود و پس از بهره جستن بسیار از محضر علمای نامدار به شوشتر بازگشت. با مرگ پدرش در سال ۱۱۵۸ هجری قمری مردم تقاضای جانشینی پدرش را در امر امامت جمعه و جماعت از او که فرزند ارشد بود داشتند اما او دست برادر کوچکترش، سینمرتضی را گرفته و به محراب مسجد برد و خود با مردم به او اقتدا نمود. او از آن پس خود غالباً در کنج مسجد به عبادت و راز و نیاز مشغول بود.^۲

در بازگشت به شوشتر، علم نجوم و استخراج تقویم و هیئت را رواج داده و رونق بخشید. او چنان در علوم نجوم و ریاضی تبحر داشت که بارها می‌گفت: «لاگر پادشاه مقتدری بود که متحمل مصارف بستن زیج می‌شد رصدی می‌بستم که بر زیجات افاضل سلف راجع آید و از کهنگی و اندراس محفوظ ماند و لایق ذخیره سلاطین قدرشناس باشد.»^۳

سیدعبدالله در شعر و ادب نیز استعداد بسیاری داشت. اشعار نغز و لطیفی از وی به یادگار مانده است که در بعضی از آنها اشعار شاعران شهیر زبان فارسی را تتبع و تضمین نموده است. در مقام علم و دانش و قوه نطق و بیان نیز چنان مهارتی داشت که در مجلس رعب‌آور سلطنت نادرشاه به سال ۱۱۴۸ در دشت مغان، خطبه‌ای عالی در نهایت فصاحت و بلاغت ایراد نمود که موجب تحسین و اعجاب نادرشاه و دیگران گردید.^۴

همچنین در سفر حجاز، حله و نجف اشرف که مصادف با ورود علمای اهل سنت از اسلامبول، بغداد و بخارا به نجف برای ایجاد وحدت مذهب اسلامی و رفع اختلاف بین تشیع و تسنن بود، مباحثات و مناظراتی با آنها نمود.^۵

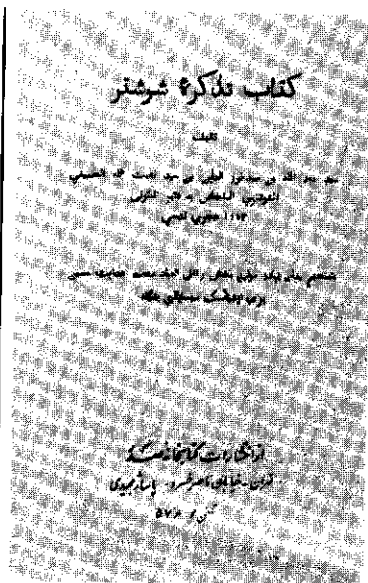
در مسایل فروعیه علمیه که محل اختلاف آراء اصولیین و اخباریین بود، او طریقه میانه و حدوسط را انتخاب نموده و آن را طریقه صواب و صحیح می‌دانست.^۶ سیدعبدالله جزایری برای آگاهی از حقیقت مذاهب غیراسلامی مدت‌ها کشیشان مسیحی، کاهنان یهودی و موبدان زردشتی را محترمانه در خانه خود نگاه می‌داشت و به واسطه مباحثه و مناظره با آنان اطلاعات زیادی از آیین آنها کسب می‌کرد. این گونه فعالیت‌ها و تلاش‌ها چنان اطلاعات و آگاهی‌هایی در علوم، فنون و مذاهب گوناگون برای او فراهم نمود که علمای سلفش کمتر از عهده آن برآمده بودند.^۷

از وی نوشته‌های زیادی باقی مانده است. بعضی از رسالات و کتاب‌های وی به قرار ذیل است: «رساله مدینه النجو، حاشیه اربعین حدیثه رساله در تحقیق قبله حوزبه، رساله در تحقیق قبله شوشتر، رساله تحفه النوریه، شرح صفحه اسطرلاب، کتاب تذکره شوشتر، کتاب ذفرالسرایع فی شرح مفاتیح الشرایع، رساله جلیله اولی، رساله جلیله ثانیه، رساله علویه، رساله احمدیه، کتاب طلسم سلطانی، رساله در تحقیق قاعده استخراج، کتاب تحفه السنیّه فی

- تذکره شوشتر
- تألیف: سیدعبدالله جزایری
- ناشر: کتابفروشی صافی، اهواز، بی تا.

«سیدعبدالله جزایری» نویسنده کتاب «تذکره شوشتر»
در هفتم شعبان سال ۱۱۱۴ هجری قمری در شوشتر به دنیا آمد.
پدرش سیدنورالدین و پدربزرگش،
سیدنعمت الله جزایری از بزرگان و
دانشمندان مشهور بودند

سیدعبدالله جزایری در مقام علم و دانش و قوه نطق و
بیان نیز چنان مهارتی داشت، که در مجلس رعب‌آور
سلطنت نادرشاه به سال ۱۱۴۸ در دشت مغان،
خطبه‌ای عالی در نهایت فصاحت و بلاغت ایراد نمود که
موجب تحسین و اعجاب نادرشاه
و دیگران گردید



الشرح النخبة المحسنیه، حاشیه مئونه بر مقدمات وافی و نیز حواشی غیر مدونه دیگری که
بر فن بدیع، مزارک، مسالک و کتب حدیث و رجال و غیره نوشته است.^۸
سیدعبدالله جزایری پس از عمری خدمت در نشر علوم و حقایق و خیرخواهی و کمک
به مردم، در سال ۱۱۷۳ هجری قمری به جهان باقی شتافت. مولانا قواس شاعر شوشتری در
ماده تاریخ وفات او چنین سروده است:

از امر خداوند جهاندار قدیم
علامه دهر و سیدخلد مقیم
در باغ نعیم جای او شد قواس
تاریخ وفاتش طلب از (باغ نعیم)^۹
۱۱۷۳

پیکر او را در آرامگاه پدرش در مسجد جامع شوشتر به خاک سپردند. مقبره خانوادگی
آنها که دیگر خویشاوندانش نیز در آن مدفونند سال‌ها متروک بود تا اینکه اخیراً تجدید بنا
گردیده و اکنون مورداحترام مردم شوشتر است.^{۱۰}

تاریخچه نگارش و انتشار تذکره شوشتر:

سیدعبدالله جزایری در سال ۱۱۶۵ هجری قمری این کتاب را به رشته تحریر درآورد.^{۱۱}
بعدها در سال ۱۲۷۶ هجری قمری احمدبن ملامحمدتقی دارابی‌الاصل مشهور به شیرازی از
روی آن نسخه‌ای نوشت.^{۱۲} در سال ۱۳۲۸ شمسی محمدباقر نیرومند نسخه مذکور را بازنویسی
و اغلاط آن را اصلاح نمود.^{۱۳} همچنین حاج سیدمحمد حسن جزایری از علمای به نام
شوشتر که علاقه زیادی به نگارش ادامه وقایع شوشتر و خوزستان از زمان مرگ مؤلف
تذکره تا زمان خود داشت یادداشت‌هایی در این باره از خود به جا گذاشت. این یادداشت‌ها که
به کتاب ضمیمه گردید. بدون عنوان‌گذاری دقیقی مطالب ذیل را در بر می‌گیرد: «مرعشیان
شوشتر، بقعه خضر، شیخ خزعل و آل کثیر و روابطشان با خوانین محلی چون بختیاری‌ها،
تقسیم‌بندی محلات شوشتر و توضیح درباره آنها، اوضاع سیاسی خوزستان در دوران مشروطه
و نقش خوانین محلی و ارتباط آنها با انگلیسی‌ها، خاندان مقدم، نژادهای کنونی خوزستان،
شعرای شوشتر، سالشمار بعضی وقایع این دوره، شجره‌نامه اولاد و اخشوخان، طوائف سادات
دزفول، بقاع دزفول و حومه آن.» کتاب تذکره شوشتر برای آخرین بار توسط کتابفروشی
صافی شهرستان اهواز منتشر گردیده است، اما در هیچ جای کتاب از تاریخ انتشار آن نشانی
وجود ندارد. انتشار کتاب براساس خوشنویسی محمدباقر نیرومند بوده که به صورت
عکسبرداری چاپ گردیده است.^{۱۴} انشاءالله در آینده این کتاب به صورت شایسته چاپ و
منتشر گردد.

معرفی مطالب کتاب:

مطالب کتاب براساس عنوان‌بندی مشخصی تنظیم نشده‌اند بلکه فقط در داخل متن
شماره هر فصل به صورت درشت نوشته شده است.
فصل اول: چگونگی بنیان‌گذاری شوشتر و ذکر اوصاف آن.
فصل دوم: کشاورزی، آبیاری و محصولات شوشتر - نهردریان، رودگرگر، بند میزان، سد
شادروان.
فصل سوم: چگونگی ساختن سد شادروان، ماندن رومی‌ها در شوشتر، وصف دیبای



ایستگاه‌های شوشتر

شوشتری، تخریب شادروان توسط حاج.
فصل چهارم: آب و هوا، بیماری‌ها، بارندگی و اخلاق و روحیات مردم شوشتر.
فصل پنجم: مساجد شوشتر.
فصل ششم: مزارات شوشتر، چگونگی فتح شوشتر به وسیله مسلمانان، شهادت برایان
مالک انصاری، گرفتاری هرمرزان و سرانجام وی.
فصل هفتم: داستان دفن حضرت دانیال در شوش، مدفن محمدبن جعفر طیار در
دزفول، دزفول و وجه تسمیه آن.
فصل هشتم: بقاع شوشتر چون امامزاده عبدالله و جریان شهادت او، شیخ محمدسوار،
عبدالله بن افطح، جابرین عبدالله انصاری، عبدالرحمن بن عوف، اویس قرنی، سیدصالح و...
فصل نهم: محلات دستا و گرگر در شوشتر، قلعه سلاسل، شهر عسکر مکرم، طول و
عرض شوشتر، بند دختر، مقام علی، صائین در شوشتر، بند قیر، بند ماهی بازان، بند اهواز،
قیام صاحب الزنج.
فصل دهم: بقاع اطراف شوشتر چون کفعلی، شعیب، سیدمحمد گیاه‌خوار، مقام شیخ
شمس‌الدین.

فصل یازدهم: بقاع عقیلی، بقعه بشران، مقام باباکوهی، قصبه‌های از مولانا راهی.
فصل دوازدهم: سادات مرعشی شوشتر و نسب آنها، ظهور سیدمحمدبن فلاح مشعشع
و نسب سادات مشعشی، شاه اسماعیل اول صفوی و سرکوب مشعشیان.
فصل سیزدهم: خاندان میرنورالله شوشتری، انساب آنها و مقام‌شان در دولت صفوی.
فصل چهاردهم: سادات تلغری در عقیلی و توضیحاتی درباره املاک و مقام آنها و
نسبتشان به امام موسی کاظم (ع).
فصل پانزدهم: حاکمان شوشتر از سال ۹۳۲ هجری قمری به بعد و اقدامات بعضی از
آنها، پناهنده شدن القاص میرزا برادر شاه طهماسب به شوشتر و راه ندان او به شهر توسط

شورش مردم شوشتر به تحریک محمدخان و ابوالفتح خان بر علیه نادر، آمدن نادر به شوشتر و سرکوب شورش، کوچاندن پانصد تومان خانوار از شوشتر به خراسان توسط نادر از جمله نکات تاریخی مهم فصل بیست و چهارم کتاب است

بخش اصلی و محتوای بیشتر کتاب تذکره شوشتر را شرح اقدامات حکام و حوادث ایام دوره‌های حکومت سلسله‌های مختلف و حاکمان محلی شوشتر تشکیل می‌دهد

بخشی از فصل سی و هفتم به توضیح در مورد اختلافات داخلی اعراب پیرامون شوشتر چون شیوخ آل کثیر و نقش این اختلافات در اوضاع شوشتر در سال ۱۱۶۵ ه. ق، همچنین جنگ علیمردان خان بختیاری با کریمخان زند و شکست خان بختیاری اختصاص دارد

مردم، سایر کلام شوشتر، لشکرکشی سید مبارک خان مشعشی و محاصره قلعه شوشتر و استمداد مردم از شاه عباس، اعزام مهدیقلی خان شاملو از سوی شاه عباس به شوشتر و ورود وی به شهر (این وقایع در سال ۱۰۰۲ ه. ق بود).

فصل شانزدهم: سایر حاکمان شوشتر از ربیع‌الاول ۱۰۴۲ به بعد و علماء، شیوخ و زهاد آن دوره شوشتر.

فصل هفدهم: وزراء در عهد واخستوخان حاکم شوشتر، خواجه هدایت الله و ملاکاسی شعرای آن دوره شوشتر، حاجی محمدتقی، کلانتر آن دوره شوشتر و اقداماتش.

فصل هیجدهم: معاریف دوره حکومت واخستوخان و اقدامات آنها.

فصل نوزدهم: شرحی درباره زندگانی، تحصیلات و تلامیذ سید نعمت‌الله جزایری و توضیحات مفصلی در مورد زندگی، تحصیلات و اقدامات فرزندان او. نویسنده سپس شرح زندگانی و تألیف خود و پسرانش را می‌نویسد.

فصل بیستم: آثار و اقدامات فتحلی خان، پسر و جانشین واخستوخان از جمله تجدید عمارات قلعه پل قیصر، شرح ساداته علماء، وزراء و سایر معاریف شوشتر در زمان فتحلی خان.

فصل بیست و یکم: وفات شاه سلیمان، جلوس شاه سلطان حسین و انتصاب فتحلی خان به مقام قوللر آقاسی، تفویض حکومت شوشتر به کلبعلی خان، طغیان کارون و تخریب بند میزان و آسیاب‌ها و خشک شدن باغ‌ها و محصولات کشاورزی و آغاز خرابی شوشتر، یاغی گری سید فرج‌الله، حکام شوشتر از سال ۱۱۱۱ ه. ق به بعد، طغیان میرویس غلجایی، شورش عربستان در ۱۱۲۴ ه. ق، برهم خوردن بختیاری و سایر وقایع بختیاری، تصمیم شاه سلطان حسین مبنی بر بردن آب کارون به فرح آباد در ۱۱۲۹، انتصاب یحیی خان بختیاری به حکومت شوشتر.

فصل بیست و دوم: کلام شوشتر از ذیقعد ۱۱۲۹ به بعد، حمله محمود به اصفهان، محاصره و فتح اصفهان، ظهور صفی میرزای دروغین در سال ۱۱۳۷ و ورودش به شوشتر و سرانجام او، حکومت شوشتر در زمان صفی میرزا، متن واقفنامه مدرسه و مسجد میرشکار. فصل بیست و سوم: ظهور نادر، جنگ‌های نادر با افغان‌ها، تفویض حکومت شوشتر به ابوالفتح خان، ورود نادر به شوشتر در رمضان ۱۱۴۲، کمک نادر به تحصیل پول برای ساختن خرابی بند میزان، آمدن سیل و تخریب بند میزان و نابودی محصولات کشاورزی و درختان در شوشتر.

فصل بیست و چهارم: بازگشت نادر به خراسان، خلع شاه طهماسب از سلطنت و انتصاب پسرش عباس میرزا، احضار جمعی از معاریف شوشتر به اصفهان، شورش بختیاری و سرکوبی آن توسط نادر، محاصره بغداد، حمل قیراز شوشتر به بغداد توسط ابوالفتح خان برای ساختن کشتی، جنگ نادر با عثمانی و شکست وی، ورود محمدخان و ابوالفتح خان به شوشتر جهت طغیان و همراه کردن مردم شوشتر با خود، ورود نادر به شوشتر و سرکوبی یاغیان، بی‌حرمتی سربازان نادر به زنان و دختران، کوچاندن پانصد تومان خانوار از شوشتر به خراسان، استقلال عباسقلی بیگ در شوشتر و صدور رقم حکومت و خطاب خانی برای او.

فصل بیست و پنجم: حضور پنجاه و سه نفر از اهالی شوشتر و دزفول در دشت مغان و جریان آغاز سلطنت نادر، انتصاب خواجه خان به حکومت شوشتر که در محرم ۱۱۴۹ وارد شوشتر شد. طغیان علی مراد نامی در بختیاری و سرکوبی و قتل او به وسیله نادرشاه، فتح قندهار و فتح دهلی، اخبار وقایع ایران و شوشتر در این زمان، حکام شوشتر در این زمان، رسیدن خبر قتل نادرشاه.

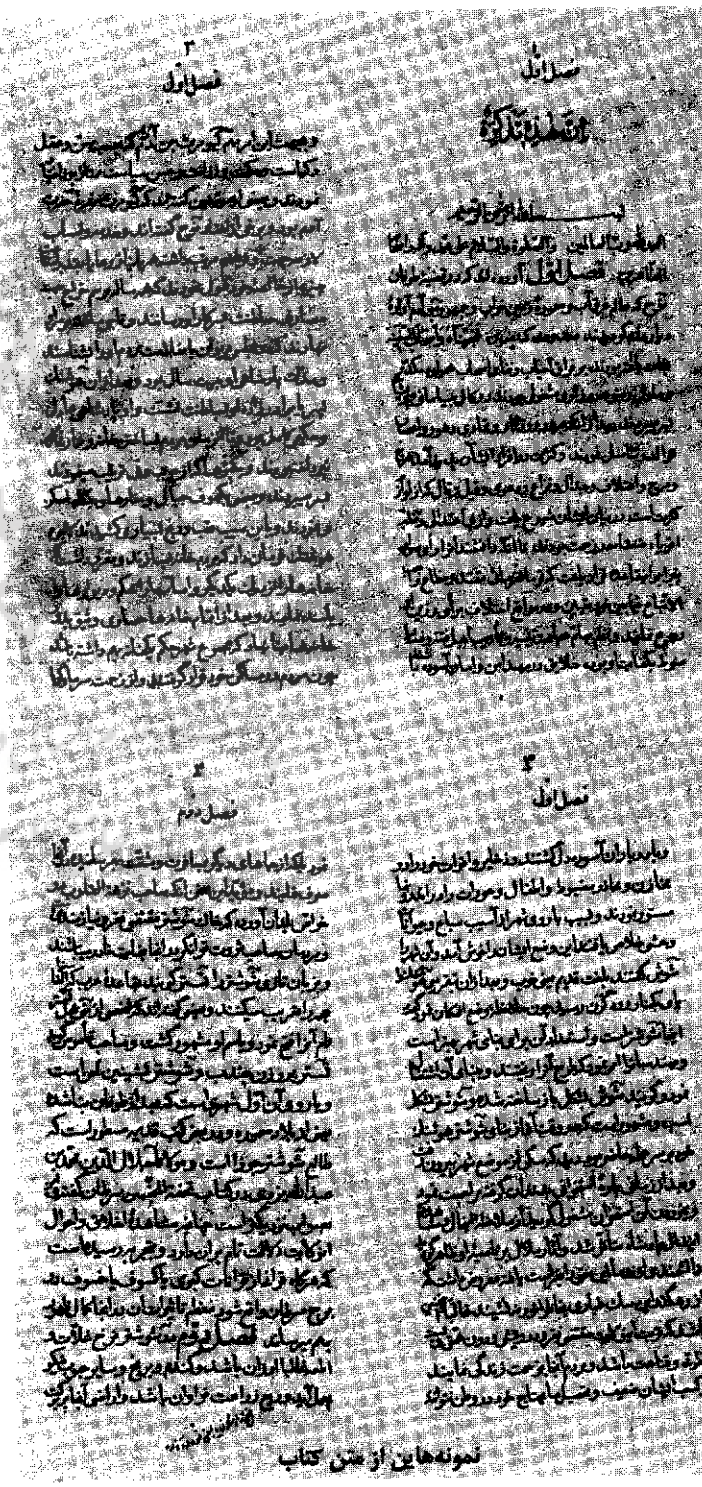
فصل بیست و ششم: جلوس علی قلیخان عادلشاه به سلطنت، انتصاب عباسقلیخان به حکومت شوشتر و اقدامات وی، جلوس ابراهیم خان برادر عادلشاه، وقایع عربستان (خوزستان)

فصل بیست و هفتم: شرح ساداته علماء، وزراء و سایر معاریف شوشتر در زمان فتحلی خان، پسر و جانشین واخستوخان از جمله تجدید عمارات قلعه پل قیصر، شرح ساداته علماء، وزراء و سایر معاریف شوشتر در زمان فتحلی خان، پسر و جانشین واخستوخان از جمله تجدید عمارات قلعه پل قیصر، شرح ساداته علماء، وزراء و سایر معاریف شوشتر در زمان فتحلی خان.

فصل بیست و هشتم: انتصاب یحیی خان بختیاری به حکومت شوشتر، شورش عربستان در ۱۱۲۴ ه. ق، برهم خوردن بختیاری و سایر وقایع بختیاری، تصمیم شاه سلطان حسین مبنی بر بردن آب کارون به فرح آباد در ۱۱۲۹، انتصاب یحیی خان بختیاری به حکومت شوشتر.

فصل بیست و نهم: ظهور نادر، جنگ‌های نادر با افغان‌ها، تفویض حکومت شوشتر به ابوالفتح خان، ورود نادر به شوشتر در رمضان ۱۱۴۲، کمک نادر به تحصیل پول برای ساختن خرابی بند میزان، آمدن سیل و تخریب بند میزان و نابودی محصولات کشاورزی و درختان در شوشتر.

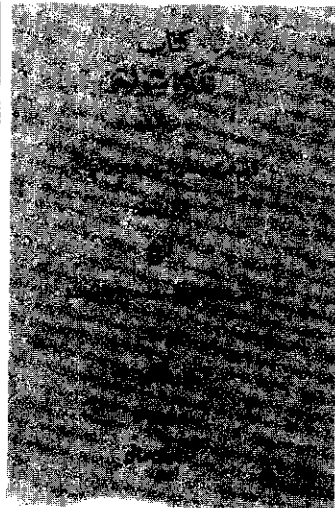
فصل بیست و دهم: بازگشت نادر به خراسان، خلع شاه طهماسب از سلطنت و انتصاب پسرش عباس میرزا، احضار جمعی از معاریف شوشتر به اصفهان، شورش بختیاری و سرکوبی آن توسط نادر، محاصره بغداد، حمل قیراز شوشتر به بغداد توسط ابوالفتح خان برای ساختن کشتی، جنگ نادر با عثمانی و شکست وی، ورود محمدخان و ابوالفتح خان به شوشتر جهت طغیان و همراه کردن مردم شوشتر با خود، ورود نادر به شوشتر و سرکوبی یاغیان، بی‌حرمتی سربازان نادر به زنان و دختران، کوچاندن پانصد تومان خانوار از شوشتر به خراسان، استقلال عباسقلی بیگ در شوشتر و صدور رقم حکومت و خطاب خانی برای او.



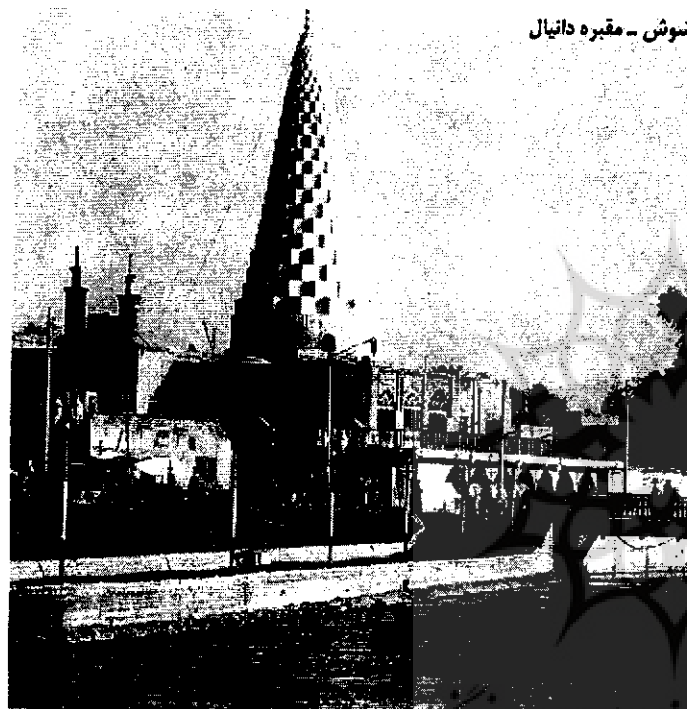
کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / مرداد و شهریور ماه ۱۳۸۰

مؤلف در فصل بیست و دوم ضمن معرفی حکام شوستر در سال ۱۱۲۹، اشاره به حمله محمود افغان و محاصره و فتح اصفهان، همچنین ظهور صفی میرزای دروغین در سال ۱۱۳۷ ه. ق و ورودش به شوستر، در خاتمه فصل، متن وقفنامه مدرسه و مسجد میرشکار را آورده است

در فصل بیست و سوم به ظهور نادر و جنگ‌های او، همچنین ورود او به شوستر در رمضان ۱۱۴۲ ه. ق و برخی اقدامات او در شوستر اشاره شده است



شوش - مقبره دانیال



پانویست‌ها:

۱. شوشتی، میرعبداللطیف خان. تحفة العالم و ذیل التّحفة، به اهتمام صمد موحد، کتابخانه طهوری، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۳، ص ۱۰۹.
 ۲. همان، ص ۱۱۲.
 ۳. همان، ص ۱۱۳.
 ۴. همان، ص ۱۱۲.
 ۵. همان.
 ۶. همان، ص ۱۱۳.
 ۷. همان.
 ۸. جزایری، سیدعبدالله. تذکرة شوستر، کتابفروشی صافی، اهواز، بی‌تا، صص ۷۸-۷۹.
 ۹. شوشتی، میرعبداللطیفه پیشین، ص ۱۱۶.
 ۱۰. جزایری، سیدعبدالله. پیشین، ص ۲۷۸ (نوشته‌ای از سیدمحمد جزایری درباره زندگی نویسنده تذکرة شوستر که در پایان کتاب تذکرة شوستر درج گردیده است).
 ۱۱. همان، ص ۱۳۱. (نویسنده کتاب در صفحه مذکور اشاره می‌کند که در روز ۱۸ رجب سال ۱۱۶۴ مشغول تحریر کتاب است).
 ۱۲. همان، ص ۲۳۰.
 ۱۳. همان.
 ۱۴. کتاب «تذکرة شوستر» با مشخصات زیر در کلکته هندوستان چاپ سربی شده است: «تاریخ و تذکرة شوستر»، رضی‌الدین سیدعبدالله بن نورالدین بن نعمت‌الله جزایری متخلص به فقیر (متوفی ۱۱۷۳)، تصحیح مولوی بخش و محمد هدایت حسین، کلکته، ۱۳۴۳ ه. ق / ۱۹۲۴ م.، سربی، ۱۱+۱۹۳ انگلیسی، جامعه آسیایی بنگال، ۱۸۴۸ م.، وزیری، ۲۱۵ ص.
- لازم به توضیح است که کتاب فوق با مشخصات زیر در سال ۱۳۴۸ در تهران چاپ افست شده است: تاریخ و تذکرة شوستر، با مقدمه سیدمحمدجزایری، تهران، کتابفروشی صدر، سربی، وزیری، ۱۳۴۸ ش، ۱۹۳+ X ص.

و شوستر در زمان ابراهیم خان و شاهرخ میرزا. فصل بیست و هفتم: بارش باران متوالی در اوایل جلوس نادرشاه و خوب شدن کشاورزی در شوستر، ناشکری و کفران مردم و به دنبال آن خشکسالی، قحطی و بدبختی مردم. فصل بیست و هشتم: ادامه سال‌های قحطی که منجر به بیرون آوردن بسیاری از گنج‌ها و ذخایر پنهان گردید، بیرون آوردن خیلی از نوشته‌های قدیمی به ویژه وقف نامه‌ها، توضیح درباره بعضی وقفنامه‌های مساجد، مدارس و خانقاه‌های شوستر. فصل بیست و نهم: ذکر وقایع شوستر در سال ۱۱۶۴ و قدرت یابی بختیاری‌ها چون علیمردان خان چهارلنگ و علی صالح خان هفت لنگ. فصل سی‌ام: تمجید از شاهان صفوی و انتقاد از ضعف شاه سلطان حسین، محاصره و فتح اصفهان به وسیله محمود افغان، جنگ‌های نادرشاه با اشرف افغان، فرار اشرف و قتل او در راه قندهار، قتل شاه سلطان حسین، قتل صفی میرزا و اشخاص دیگری چون اسمعیل میرزا، ملک محمود سیستانی و... که خود را به صفویان منتسب دانسته و یا به هواخواهی آنها قیام نموده بودند. فصل سی و یکم: درباره ملا محمود حلمی شوشتی شاعر نکته‌سنج و دیوان اشعار او. فصل سی و دوم: توضیحات مفصلی درباره شاگردان سیدنعمت‌الله جزایری. فصل سی و سوم: توضیحات مفصلی درباره شاگردان سیدنورالدین جزایری. فصل سی و چهارم: توضیحات و توصیفات درباره خوان الصفا و اشعاری راجع به آنها که نگارنده خود یکی از اعضاء آن بوده است. فصل سی و پنجم: درباره شعرای شوشتی چون خواجه عبدمحمد زایرا، مشتاق، حاجی جدیدای شیرازی (ساکن شوستر) و ملا موسی بن ملامیرزا قلی، ذکر زندگی و اشعار آنان. فصل سی و ششم: مشاعره کردن نگارنده کتاب با شاعران و دانشمندان. فصل سی و هفتم: توضیحاتی درخصوص اختلافات داخلی اعراب پیرامون شوستر چون شیوخ آل کبیر و نقش این اختلافات در اوضاع شوستر در سال ۱۱۶۵ ق، جنگ علیمردان خان بختیاری و کریم خان زند و شکست خان بختیاری، ظهور سلطان حسین میرزا نامی در سال ۱۱۶۵ و اتحاد خان بختیاری با او. فصل سی و هشتم: دنباله وقایع شوستر تا غره رمضان ۱۱۶۶. فصل سی و نهم: در وصف دو شاعر و دانشمند شوشتی خواجه ابوتراب بن خواجه علیخان و ملاهادی بن خواجه صادق و ذکر اشعار و قصاید آنها. فصل چهلم: ادامه وقایع شوستر و مناطق پیرامون آن در سال ۱۱۶۷ ق، اختلاف علیمردان خان بختیاری و نواب سلطان حسین فوق‌الذکر و کورشدن سلطان حسین خان بختیاری، قتل علیمردان خان بختیاری و سایر وقایع شوستر در این سال، اقدامات مفید و مثبت شیخ سلمان کعبی در شوستر. فصل چهل و یکم: اشعاری از ملاهادی قواس شاعر شوشتی. فصل چهل و دوم: درباره عجایب و غرائب در عالم انسانی که نشان‌دهنده کمال قدرت خداوند است. در این باره نویسنده داستان‌های شگفتی را نقل می‌کند. فصل چهل و سوم: درخصوص فن شعر و شاعری حافظ و جامی، زندگانی ذوالفقار بیگ نامی و ذکر اشعار نگارنده کتاب. فصل چهل و چهارم: درمورد زندگی ملاعبدالکریم بن نظر علی و میرسید محمد شفیع ناطق و اشعار آنها و ذکر اشعار خودنگارنده. فصل چهل و پنجم: قصیده بلندی از نگارنده کتاب. فصل چهل و ششم: اشعار صائب تبریزی و تتبع و تضمین آنها توسط نگارنده کتاب. فصل چهل و هفتم: ذکر داستانی شگفت‌انگیز و عبرت‌آموز.